

نقش طرح‌واره نیرو در فهم اخلاقی «صبر در جهاد» در قرآن کریم

فریده امینی^۱، فتحیه فتاحی‌زاده^{۲*}، نرگس زکی پور^۳

- ۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران
۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران
۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

چکیده

«صبر» به‌مثابه مهار نفس در برابر دشواری‌ها، از مهم‌ترین فضایل اخلاقی در قرآن به شمار می‌آید، این مفهوم انتزاعی از رهگذر طرح‌واره‌های تصویری که برآمده از تجربه زیسته انسان‌اند، قابل تبیین است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که صبر در آیات مرتبط با جهاد چگونه بر مبنای طرح‌واره «نیرو» مفهوم‌سازی می‌شود. در این بررسی، با بهره‌گیری از روش معناشناسی شناختی و با استفاده از ابزار طرح‌واره‌های تصویری «ساحت مفهومی» نیرو بررسی شده و هم‌زمان با تکیه بر نظریه کنش‌گفتار، «ساحت زبانی» نیرو در تبیین مفهوم صبر مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که «صبر» در آیات جهاد، کنشی اخلاقی و نیروبخش است. حضور طرح‌واره «نیرو» در دو ساحت معنا و کنش‌گفتار، بیانگر آن است که مفهوم‌سازی صبر در این آیات، با اتکا به الگوی نیرو، قابل تبیین است؛ بدین معنا که نیروی فشار ناشی از جهاد به‌مثابه نیروی بیرونی بازنمایی می‌شود و صبر به عنوان واکنشی اخلاقی در برابر این فشار، نقش نیروی مانع را ایفا می‌کند. در این میان نیروهای کنش‌گفتار در آیات، نیروی مانع صبر را تقویت کرده و زمینه پایداری مؤمنان را فراهم می‌سازند. تحلیل شدت نیروها نشان می‌دهد که صبر در این آیات از سطح توصیه اخلاقی فراتر رفته و به مانعی اخلاقی و فعال تبدیل می‌شود که فشارهای میدان جهاد را مهار کرده و رفتار جمعی مؤمنان را با اتکا به نیروهای توانایی و جذب موجود در کنش‌گفتارها سامان می‌دهد. بر این اساس، صبر با امر الهی شکل می‌گیرد و با وعده و محبت الهی استمرار می‌یابد.

واژگان کلیدی: آیات صبر و جهاد، طرح‌واره نیرو، استعاره مفهومی صبر، نیروی کنش‌گفتار

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

«صبر» از بنیادی‌ترین فضیلت‌های اخلاقی در قرآن کریم به شمار می‌رود و از نقش محوری در تعالی اخلاقی فرد و جامعه برخوردار است. «صبر» در اصطلاح، نگهداری نفس از بی‌تابی، زبان نگشودن به شکایت و نگهداری اعضای و جوارح از اضطراب و نگرانی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۴). بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص مفهوم «صبر» از درون مایه تفسیری- اخلاقی برخوردار است. این در حالی است که حوزه اخلاق از جمله صبر به عنوان یک حوزه انتزاعی، نیازمند مطالعه معناشناسی شناختی است و پرداختن به این مفهوم در دو ساحت معنایی و کنش گفتار بی‌شک ابعاد دقیق‌تری را از این مفهوم در برابر مخاطب قرار می‌دهد و نشان می‌دهد چگونه نیروی مفهومی آیات و نیروی زبانی آیات در ساختار کنش گفتاری به تقویت یکدیگر می‌انجامند.

«صبر» به عنوان یک مفهوم انتزاعی در معنا از سرشتی استعاری برخوردار است. استعاره مفهومی از ویژگی‌های عملکرد ذهن است و درک مفهومی انتزاعی را بر مبنای مفاهیم متعلق به یک حوزه شناختی تجربه‌پذیر، میسر می‌سازد (افراشی به نقل از گزادی، ۱۳۹۸: ۶۶). در ترسیم استعاری مفاهیم اخلاقی، استعاره‌های مفهومی به ابزاری برای مفهوم‌سازی مضامین اخلاقی تبدیل می‌شوند و از طریق استعاره است که به تعقل و استدلال اخلاقی پرداخته می‌شود. به عنوان مثال: آدمیان برخی از افراد یا رفتار یا افکار را ناپاک یا کثیف خطاب می‌کنند و نقطه مقابل این استعاره، استعاره پاکی است. انسان‌های اخلاقی معمولاً پاک خطاب می‌شوند و رفتارهای صحیح نیز رفتارهای پاک نام می‌گیرد (صادقی، ۱۳۹۹: ۲۴۳-۲۴۶). در قرآن کریم کاربرد صبر در آیات جهاد، دو سطح نیرو را به صورت همزمان فعال می‌کند: سطح اول، نیروی فشاری که از مفاهیم جهاد و قتال در آیات مربوطه جریان دارد و سطح دوم، نیروی مانع یا مقاومتی که در مفهوم صبر تحقق می‌یابد و به نوعی مهار فشار را بر عهده دارد؛ علاوه بر سطح مفهومی، ساختارهای زبانی کنش گفتارهای به کار رفته در آیات صبر و جهاد، نیز الگوهایی حامل نیرو هستند که مدل معنایی را فعال می‌کنند.

جانسون، بر این عقیده است که کنش گفتارها در زمره کنش‌ها به شمار می‌آید و از آنجا که کنش‌های اجتماعی و فیزیکی تابع نیرو هستند، پس کنش‌های زبانی نیز تابع نیرو هستند و به طور استعاری فهمیده می‌شوند. وی نیروهای مربوط در سطح کنش گفتاری سرل را مبتنی بر نیرویی می‌داند که به طور استعاری و بر مبنای طرح‌واره نیرو بسط و تفصیل می‌یابد (۱۴۰۰: ۱۲۲-۱۲۴) و این نیروهای کنش گفتاری، نیرویی بر مخاطب وارد می‌کند و می‌تواند فعال‌کننده نیروی معنایی باشد.

نوآوری این نوشتار در تلفیق طرح‌واره نیرو در ساحت معنا با نیروهای حاصل از کنش گفتارها و همچنین سنجش شدت نیرو با استفاده از شاخص‌های تأکید در آیات قرآن کریم است.

۱-۲- سؤالات پژوهش

سؤال اصلی پژوهش را می‌توان چنین مطرح کرد:

- ۱- چگونه دو سطح نیروی مفهومی و زبانی، در کنار هم در معنای صبر به عنوان یک فضیلت اخلاقی نقش دارند و آن را نه به صورت یک حالت انفعالی در موقعیت، بلکه کنشی اخلاقی و نیروبخش باز می‌نمایند؟
- ناظر به پرسش اصلی، شناسایی انواع طرح‌واره نیرو در بررسی آیات در سطح معنا و کنش گفتار، محل بررسی است.

۱-۳- پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه «صبر» صورت گرفته، بیشتر بر مبنای معناشناسی ساختاری و یا روان‌شناختی بوده است. به عنوان مثال:

امانی، عبادی و رضایی (۱۳۹۵)، حوزه‌های معنایی صبر را در آیات قرآن مطالعه کرده‌اند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به شناسایی این واژه در لغت‌نامه‌ها و پس از آن با نگرشی فراگیر به کل متن قرآن، به تحلیل و بازیابی شبکه‌ای معنای صبر

پرداخته است؛ بر این اساس واژه «صبر» در قرآن با واژگانی همچون «تقوا» و «نماز» هم‌نشین شده است و با واژگان «حلم» و «أناة» رابطه جانشینی دارد.

نوری (۱۳۸۷)، پایه‌های روان‌شناختی و نشانگان صبر در قرآن را مورد تحلیل قرار داده است. هدف این پژوهش، بیان این مسئله است که در افراد خویشتن‌دار چه سازه‌های روان‌شناختی وجود دارد که آنان را قادر می‌سازد تا در موقعیت‌های دشوار، خودمهارگری نشان دهند.

حسین ثابت (۱۳۹۲)، مبانی دینی و روان‌شناختی صبر را با تکیه بر آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار داده است. بر اساس این مقاله، با توجه به اهمیت «صبر» در حوادث و ناملایمات زندگی، آموزش صبر اهمیت پیدا می‌کند که هم در قرآن کریم و هم در روانشناسی، روش‌هایی برای تقویت آن در افراد مطرح شده است. مطالعاتی نیز پیرامون انواع، عوامل، پیامدها و سایر ابعاد صبر انجام گرفته است. به عنوان مثال:

نوروزی، رمضان‌ی و یاوری (۱۳۹۵)، به تحلیل صبر اجتماعی در قرآن کریم پرداخته‌اند. این مقاله در صدد پاسخ به این سؤال است که بر اساس آیات و تفاسیر، معنا، غرض و مصادیق صبر اجتماعی چیست؟ از نتایج این پژوهش این است که صبر اجتماعی با حضور فرد در اجتماع و در ارتباط با افراد دیگر معنی می‌یابد و در حفظ ثبات و ارتقاء اجتماع مؤثر است.

افرنگان (۱۳۹۹)، آثار تربیتی صبر در زندگی انسان از منظر قرآن کریم را تحلیل نموده است. برخی از این آثار عبارت است از، اطاعت از خداوند، امداد غیبی پروردگار با افراد صبور، ترک گناه، روحیه امیدواری، غلبه بر مشکلات، استجاب دعا و دریافت پاداش و جلب رضای خداوند.

در زمینه کاربرست طرح‌واره نیرو در آیات قرآن نیز، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. بروجنی، قائمی و پورابراهیم (۱۳۹۶)، بازنمایی طرح‌واره نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی زبان قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند. رهاورد این بررسی آن است که در

زیرساخت استعاره‌های موجود حالات هفتگانه نیرو مشاهده می‌شود که الگوی بسیار مناسبی برای بررسی این استعاره‌های اخلاقی است.

آبادی، فتحی‌زاده و افراشی (۱۴۰۱) نیز، تأثیر طرح‌واره نیرو در مفهوم‌سازی شیطان در قرآن کریم را تحلیل نموده‌اند. بر اساس مفهوم‌سازی شیطان بر مبنای هفت طرح‌واره نیرو، خداوند او را به صورت منبع نیرویی بی‌اثر به تصویر می‌کشد و با تکیه بر تجربیات نامطلوب انسان از مفاهیم گم شدن، برخورد با مانع و... شیطان را عامل پیامدهایی مشابه معرفی می‌کند و بدین ترتیب مانع از گرایش به سمت شیطان خواهد شد.

همچنین در حوزه کنش‌گفتارهای آیات جهاد، مقالاتی نگاشته شده است. به عنوان نمونه: ابراهیمی و دسترنج (۱۴۰۰)، تحلیل گفتمان کنش‌های گفتاری در آیات جهاد را به روش توصیفی-تحلیلی مطالعه نموده‌اند.

فتحی‌زاده و آبادی (۲۰۲۳) نیز، نیروی کنش گفتاری در اولین رویارویی شیطان و انسان در قرآن را با رویکردی شناختی مطالعه کرده‌اند؛ به عقیده نگارندگان برای رسیدن به مقصود گوینده، به ترکیب جامعی از نظام‌های گفتمانی برآمده از افعال گفتاری، نظر داشت و در واقع افعال گفتاری، به شکل‌گیری نظام گفتمانی هوشمند در آیات جهاد، کمک کرده و زمینه را برای انجام کنش، فراهم می‌کند.

پژوهش حاضر از چند بُعد با مقالات پیشین، متمایز است:

۱- تحلیل مفهوم اخلاقی «صبر» با روش شناختی

۲- پیکره مورد مطالعه، نه تمام آیات «صبر» و نه تمام آیات «جهاد»، بلکه آن دسته از آیات هستند که دو مؤلفه «جهاد» و «صبر» را توأمان پوشش می‌دهند.

۳- تلفیق نظریه کنش‌گفتار با نظریه معناشناسی شناختی (طرح‌واره تصویری) با هدف نشان دادن نقش کنش گفتارها به عنوان ابزارهای زبانی که مدل معنایی را فعال می‌کنند. این تلفیق دوساحتی در تحلیل آیات قرآن فاقد پیشینه است و افق جدیدی را برای فهم بهتر آیات می‌گشاید.

۲- چارچوب نظری

بر مبنای دیدگاه شناختی به نظریه کنش گفتار سرل، هر پاره‌گفتار حامل انواع مختلف نیروهای استعاری است که در ظرف پاره‌گفتار، تأثیر آن بر شنونده، میزان شدت و تأثیرات خارجی کلام نمود پیدا می‌کند (Fattahizadeh & Abadi, 2023, 92).

در پژوهش پیش‌رو، یک رویکرد دو ساحتی سامان می‌یابد: «ساحت مفهومی» نیرو که با تکیه بر طرح‌واره‌های تصویری بازنمایی می‌کند و از حیث معنایی به «صبر» می‌پردازد و دیگری «ساحت زبانی» نیرو در کنش گفتارها که از حیث زبانی و مدل خطاب در فهم «صبر» به عنوان یک فضیلت اخلاقی مؤثرند.

آنچه در ادامه ملاحظه می‌شود، اشاره به نظریه کنش گفتار و نیروی کنش گفتار از منظر شناختی است.

نظریه کنش گفتار^[۱]، برای اولین بار توسط جان آستین (۱۹۶۲)^[۲] در «چگونه کلمات کار انجام می‌دهند؟»^[۳] مطرح گردید. آستین، نشان داد که هدف از انعکاس بسیاری از جملات خبری، بیان یک مطلب نیست، بلکه انجام فعالانه یک عمل است و از این رو بسیاری از جملات خبری فاقد قابلیت ارزیابی صدق و کذب هستند (Austin, 1962, 12-).^[۴] Fattahizadeh & Abadi, 2023, 90؛ حسینی و رادمرد، ۱۳۹۴: ۶۷؛ دسترنج و عرب، ۱۳۹۹: ۲۵. پس از آن، جان سرل^[۵] در جهت تکمیل نظریه وی، دیدگاهی را مطرح کرد که بر اساس آن محتوای هر گزاره، دربردارنده یک نیروی کنش زبانی است که محتوا را بازنمایی می‌کند (Fattahizadeh & Abadi, 2023, 90). نقل قول از Searle, 1975, 344.

برای نمونه، یک تک محتوای گزاره‌ای مانند «جلسه به پایان رسید»، می‌تواند تابع تعدادی نیروی متفاوت برای تولید انواع مختلف کنش گفتارها باشد (جانسون، ۱۴۰۰: ۱۲۳).

۱- جلسه به پایان رسید. (نیرو: اظهارنظر)

۲- آیا جلسه به پایان رسید؟ (نیرو: پرسیدن یا بیان تعجب)

۳- جلسه به پایان رسید. (وقتی توسط رئیس جلسه بیان می‌شود، باعث می‌شود جلسه به پایان برسد، یعنی تعطیل و ترک جلسه)

سرل، پنج نوع کنش گفتاری را به صورت کنش اظهاری^[۵]، کنش ترغیبی^[۶]، کنش عاطفی^[۷]، کنش تعهدی^[۸] و کنش اعلامی^[۹] معرفی می‌کند (حسینی و رادمرد، ۱۳۹۴: نقل قول از سرل، ۱۹۷۵: ۳۴۴-۳۶۹).

منظور از کنش اظهاری، آن دسته کنش‌هایی هستند که گوینده مدعی صادق بودن آن است و شامل اظهارات، ادعاها و بیانات می‌باشد.

در کنش ترغیبی، هدف گوینده تشویق مخاطب به انجام کاری یا ترک آن است که می‌تواند در ظرف امر یا نهی نمود پیدا کند؛ به عبارت دیگر در این نوع کنش، گوینده به دنبال آن است که جهان خارج به واسطه مخاطب با وضعیت مطلوب خود انطباق یابد. کنش عاطفی، به بیان دیدگاه یا احساس گوینده شامل علاقه، تنفر، لذت و .. تعلق دارد. در کنش تعهدی، گوینده متعهد می‌شود که کاری را در آینده انجام دهد که می‌تواند در ظرف تهدید کردن، قسم خوردن، قول دادن و مواردی از این دست، نمود پیدا کند. در کنش اعلامی، به محض بیان پاره‌گفتار تغییراتی واقعی در جهان خارج محقق می‌شود (حسینی و رادمرد، ۱۳۹۴: ۷۱).

۲-۱- نیروی کنش گفتار از منظر شناختی

مارک جانسون^[۱۰]، در تکمیل این نظریه با رویکرد شناختی به دستور و کاربردشناسی زبان، ساختار خود کنش‌گفتارها را نیز الگوهایی حامل نیرو معرفی می‌کند. وی معتقد است کنش‌گفتارها هم کنش هستند و از آنجا که کنش‌های اجتماعی و فیزیکی تابع نیرو هستند، پس کنش‌های زبانی نیز تابع نیرو هستند و به طور استعاره‌ای فهمیده می‌شوند. وی نیروهای مربوط در سطح کنش گفتاری سرل را مبتنی بر گشتاورهای نیروی می‌داند که به طور استعاره‌ای و بر مبنای طرح‌واره نیرو^[۱۱] بسط و تفصیل می‌یابند (۱۴۰۰: ۱۲۲-۱۲۴). از دیدگاه وی در بیشتر کنش‌گفتارها محتوایی وجود دارد که توسط نیروی معین ادا می‌شود و از این‌رو هر کنش‌گفتار حامل یکی از انواع طرح‌واره نیرو است (همان: ۱۲۵).

نظریه طرح‌واره تصویری^[۱۲] و استعاره مفهومی^[۱۳] در علم معناشناسی شناختی^[۱۴]، از ابزارهای ذهن برای درک و روشن ساختن مفاهیم انتزاعی است. اصطلاح طرح‌واره تصویری، در سال ۱۹۸۷ برای نخستین بار در کتاب بدن در ذهن^[۱۵]، نوشته جانسون به کار برده شد. طرح‌واره‌های تصویری، الگوهایی تکرارشونده و پویا از تعامل ادراکی و حسی حرکتی انسان در محیط‌اند که به تجربه انسجام و ساخت می‌بخشند. مقصود از «تجربه»، ابعاد ادراکی، حسی حرکتی، عاطفی، تاریخی، اجتماعی و زبانی حضور آدمی در محیط است (افراشی، ۱۴۰۰: ۵۲، نقل قول از، جانسون، ۱۹۸۷: ۱۴-۱۶).

طرح‌واره‌های تصویری، موجب می‌شوند این تجربیات، معنادار شوند و مبنای استدلال در مورد خود این تجربیات و نیز مبنای شکل‌گیری مفاهیم انتزاعی و استدلال در حوزه‌های انتزاعی اندیشه واقع شوند (افراشی، ۱۴۰۰: ۵۲، نقل قول از، جانسون، ۲۰۰۵: ۱۸ و ۱۹). برخی طرح‌واره‌ها مستقیماً با تجربه فیزیکی در ارتباط‌اند که جانسون آن‌ها را طرح‌واره‌های مبنا می‌داند. این طرح‌واره‌ها عبارتند از:

جزء/کل^[۱۶]، مرکز/حاشیه^[۱۷]، تماس^[۱۸]، مجاورت^[۱۹]، حمایت^[۲۰]، تعادل^[۲۱] و حجم^[۲۲]. همچنین طرح‌واره‌های مسیر^[۲۳]، ارتباط^[۲۴]، نیرو^[۲۵]، بالا/پایین^[۲۶]، جلو/عقب^[۲۷] نیز از طرح‌واره‌های مبنا به شمار می‌آیند (افراشی ۱۴۰۰: ۵۴-۵۶).

طرح‌واره نیرو یکی از مهم‌ترین طرح‌واره‌هاست.

جانسون هفت طرح‌واره نیرو را از هم تفکیک می‌کند (۱۴۰۰: ۱۰۶-۱۱۰):

۱- فشار؛ ۲- انسداد (مانع)؛ ۳- نیروی متقابل؛ ۴- تغییر مسیر؛ ۵- حذف مانع؛ ۶- توانایی؛ ۷- جذب.

۱- فشار^[۲۸]: به طور مثال به صورت رانده شدن توسط نیروهای خارجی، مانند باد، آب، اجسام فیزیکی و افراد دیگر در تعامل ما با محیط پیرامون، درک می‌شود.

۲- انسداد (مانع)^[۲۹]: در تلاش برای برهم کنش همراه با نیرو با اجسام و اشخاص در محیط پیرامون، به صورت برخورد با موانع درک می‌شود.

۳- **نیروی متقابل**^[۳۰]: به طور مثال از طریق تجربه برخورد سر به سر دو اتومبیل درک می شود.

۴- **تغییر مسیر**^[۳۱]: در این ساختار یک بردار نیرو بر اثر برخورد سربه سر دو یا چند نیرو تغییر مسیر می دهد.

۵- **حذف مانع**^[۳۲]: حذف مانع یا نبود مانع احتمالی، ساختاری از تجربه است که انسان در تعامل با محیط پیرامون خود، هر روز با آن مواجه می شود. در تجربه جسمانی به عنوان نمونه به صورت باز بودن در و نبود مانعی برای اعمال نیرو درک می شود.

۶- **توانایی**^[۳۳]: در تعامل با محیط پیرامون، به صورت احساس انسان از توانایی (یا عدم توانایی) برای انجام یک کنش درک می شود؛ مانند احساس توانایی در بلند کردن پاکت های خرید و عدم توانایی در بلند کردن ماشین.

۷- **جذب**^[۳۴]: در تجربه جسمانی به صورت کشیده شدن انسان به سمت زمین بر اثر نیروی جاذبه و یا جذب براده های آهن توسط آهن ربا درک می شود.

استعاره مفهومی نیز از ویژگی های عملکرد ذهن است و درک مفهومی انتزاعی (حوزه مقصد) را بر مبنای مفاهیم متعلق به یک حوزه شناختی تجربه پذیر (حوزه مبدأ)، میسر می سازد (افراشی، ۱۴۰۰: ۶۶، نقل قول از، گرادی، ۲۰۰۷: ۱۸۹). اگر حوزه مبدأ در استعاره مفهومی، یکی از انواع طرحواره های تصویری باشد، استعاره مفهومی، طرحواره بنیاد خواهد بود. یکی از مهم ترین راه های بازنمایی طرحواره ها در زبان از طریق تبدیل آن ها به استعاره های مفهومی است.

۳- بازنمایی طرحواره نیرو در ساحت معنا و کنش گفتار

پژوهش حاضر با تکیه بر آیات قرآن انجام می گیرد و از این میان، آیاتی که «صبر» در جنگ را به تصویر می کشد، مورد مطالعه است. لازم به ذکر است در این پژوهش آیات، نه به مثابه واحد مستقل تحلیل، بلکه به عنوان بافت ظهور مفهوم «صبر» در نظر گرفته می شوند.

بر این اساس، با بهره‌گیری از بررسی‌های لغوی، سیاق آیات و دیدگاه‌های تفسیری، چگونگی مفهوم‌سازی «صبر» بر مبنای طرح‌واره نیرو در دو سطح تحلیل می‌شود:

سطح اول، بررسی بازنمایی طرح‌واره نیرو در مفهوم «صبر»؛

سطح دوم، نیروهای کنش‌گفتار در آیات صبر در جهاد؛

شایان ذکر است که دامنه پژوهش، به بررسی مفهوم صبر در ساحت معنا و کنش گفتار محدود شده و سایر عناصر مفهومی و کنش‌های گفتاری موجود در آیات، تنها در حدی مورد توجه قرار می‌گیرند که در تبیین مفهوم صبر نقش داشته باشند.

آنچه پیکره پژوهش حاضر را شکل می‌دهد، آیاتی است که شامل باهم‌آیی صبر با مفهوم جنگ و جهاد است. این آیات در دو دسته قابل تقسیم است:

دسته اول، آیاتی که به صورت کلی به مسئله جهاد و صبر در برابر آن اشاره می‌کند؛

دسته دوم، آیاتی که صبر در میدان نبرد را به تصویر می‌کشند.

این تقسیم‌بندی صرفاً ناظر به طبقه‌بندی موضوعی آیات نیست، بلکه با هدف بررسی چگونگی شکل‌گیری و شدت نیروها در مفهوم‌سازی «صبر»، متناسب با موقعیت‌ها انجام شده است.

در بررسی آیات در ساحت معنایی، دو مؤلفه موردنظر است:

الف: موقعیتی که مستلزم واکنش است (که همان مسئله جهاد است)؛

ب. واکنش به موقعیت (مسئله صبر).

در ساحت زبانی و بررسی کنش گفتارهای بکار رفته در آیات نیز، بررسی الگوهای حامل نیرو و نقش آن بر شکل‌گیری نیروی مانع یا استقامت بر آن موردنظر است، تا نشان داده شود که چگونه دو سطح نیروی مفهومی و زبانی در معنای صبر به عنوان یک فضیلت اخلاقی بازتاب می‌یابند.

۳-۱- نقش طرح‌واره نیرو در شکل‌گیری مفهوم صبر در آیات جهاد

پس از هجرت پیامبر (ص) و مسلمانان به مدینه به منظور حفظ و گسترش اسلام و یکتاپرستی، دشمنان توحید همچنان در صدد توقف این جریان بودند و با مسلمانان وارد جنگ شدند. در این شرایط، خداوند به مسلمانان فرمان جهاد داد تا با مقاومت در برابر دشمن، از اسلام دفاع کنند و زمینه تشکیل جامعه اسلامی را فراهم آورند. جهاد با سختی‌های فراوان روحی و جسمی مانند جراحت، گرسنگی، تشنگی، ترس و ناامنی همراه است؛ که همگی تجربه‌هایی از نوع «نیروی فشار» محسوب می‌شوند.

در ساحت معنایی دو مؤلفه موردنظر است:

مؤلفه اول، «موقعیت» است که مستلزم واکنش بوده و در آیات موردنظر مراد از این موقعیت، همان «جهاد» است.

مؤلفه دوم، «واکنش به موقعیت» است که در آیات الهی به صورت امر الهی مبنی بر صبر قابل ردیابی است.

۳-۱-۱- مؤلفه اول: موقعیتی که مستلزم واکنش است = جهاد

در آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره، مجموعه هم‌سیاقی که قبل از دستور جهاد نازل شده است و به کلیت مسئله صبر در جهاد می‌پردازد، از بلاء و مصیبتی پیشگویی می‌کند که مسلمانان به زودی با آن رو به رو می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۴). موقعیتی که در آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اشْتَعِظُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/ ۱۵۳) و «وَلْتَبْلَوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره/ ۱۵۵) مستلزم صبر است، نبردهایی است که مسلمانان پس از هجرت به مدینه با آن‌ها مواجه خواهند شد.

آنچه مسلم است در جنگ، انواع سختی‌ها همچون کشته و مجروح شدن، گرما و سرمای شدید، گرسنگی، تشنگی، شکست، اسارت، از دست دادن عزیزان و سرمایه‌ها، ترس، اضطراب، دوری از خانواده، کمبود نیرو و تجهیزات و... وجود دارد. این شرایط فشار سنگینی

بر جسم و روح رزمندگان و جامعه تحمیل می‌کند. آیه ۱۵۵ سوره بقره نیز، به همین دشواری‌ها اشاره دارد و آن‌ها را آزمایشی برای مؤمنان می‌داند. «لَتَبْلُوَنَكُمْ» از ریشه [بلو] به معنای ایجاد دگرگونی و تحول برای رسیدن و دستیابی به نتیجه مطلوب است و این معنا بر تمام مصادیق خود از جمله امتحان، آزمایش و مصیبت که از معانی مجازی آن هستند، صدق می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۳۵). وجه مشترک دگرگونی‌هایی که در آزمون الهی رخ می‌دهند، تحت نیروی فشار برجسته می‌شوند. همچنین در کنار فشار حاصل از جهاد، این مسئله که این عرصه، معرکه آزمون الهی است، فشار را مضاعف می‌کند.

این نکته به صورت مشابه در آیه «وَلَتَبْلُوَنَكُمْ حَتَّى تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَا أَخْبَارَكُمْ» (محمد / ۳۱) نیز، قابل ردیابی است. در آیه «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل / ۱۱۰)، «فتنه» از ریشه [فتن] به معنای ابتلاء، امتحان و آزمایش است و اصل آن داخل کردن طلا در آتش است تا خوب آن، از بدش آشکار شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۳). همچنین «فتنه»، هر چیزی است که موجب عدم تعادل و اختلال شود و مصادیق آن مانند اموال، اولاد، عذاب، کفر و ابتلاء، زمانی که موجب این دو امر شوند، «فتنه» خواهند بود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۲۴). منظور از «فتنه» در آیه شریفه، این است که مشرکان قریش در مکه مؤمنان را عذاب می‌دادند تا آن‌ها از دین‌شان برگردند. در این آیه، بیان می‌دارد که خداوند از این گروه راضی نخواهد شد، مگر آنکه بعد از اینکه شکنجه شدند، مهاجرت کنند و از مهاجرت ایشان راضی نخواهد شد، مگر اینکه جهاد کنند و صبر داشته باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۳۵۶). موقعیت به تصویر کشیده شده در آیه، شکنجه و هجرت مسلمانان و پس از آن حضور در عرصه جهاد، همگی نیروی فشار را در معنا بازنمایی می‌سازد.

در آیه «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره / ۱۷۷) و در عبارت «حِينَ الْبَأْسِ»، در خصوص معنای «بأس» آمده است که از شدت و سختی در جنگ تعبیر به بأس می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۵۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۲۰).

در این آیه، یکی از مصادیق «برّ»، حضور در عرصه جهاد و صبر در این موقعیت است. همچنین، صاحب مجمع البیان در تفسیر آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۲۰۰)، آورده است، منظور از «اصبروا»، صبر بر طاعت خدا و ترک معاصی است و در واقع دستوری برای ایجاد حالت درونی است که در برابر طاعت‌هایی چون جهاد، که موقعیتی فشار آور است، صادر شده است. و مراد از «صابروا» نیز این است که با دشمن جهاد کنید و بر مسیر جهاد در راه حق صابر باشید، چنانکه ایشان در راه جنگ بر باطل صابر هستند. صابروا، دستوری برای واکنش به کنش بیرونی متقابل است؛ یعنی همانطور که فاعل دیگری (کافران) در جنگ با شما استقامت می‌ورزند، شما هم استقامت بورزید. همچنین «رابطوا» نیز، که از باب مفاعله است را، به این معنا آورده است که همانگونه که دشمن برای جنگ با شما مرکب آماده می‌کند، شما نیز برای جنگ با ایشان مرکب آماده کنید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۱۸). از این رو می‌توان گفت موقعیتی که در آیه گزارش می‌شود، مسئله جهاد است و در ساحت معنا طرح‌واره نیروی فشار بازنمایی می‌شود.

علاوه بر آیاتی که به صورت کلی به مسئله صبر و مقاومت در جهاد می‌پردازند، دسته‌ای از آیات، در ماجرای جنگ‌های خاصی چون بدر و احد نازل شده‌اند و بازنمایی فشار در این آیات بیشتر عینی و جسمانی است که در ادامه به این قسم آیات پرداخته می‌شود.

• جنگ بدر

جنگ بدر در سال دوم هجرت، در شرایطی نابرابر میان مسلمانان کم‌تعداد و سپاه مجهز قریش رخ داد. این نخستین نبرد بزرگ، فشار روانی و جسمی سنگینی بر مسلمانان وارد کرد؛ زیرا علاوه بر سختی‌های معمول جنگ، کمبود نیرو و تجهیزات نیز بر شدت آن می‌افزود.

سوره انفال از جمله سوره‌هایی است که در آن به ماجرای جنگ بدر و مشکلاتی که برای مسلمانان روی داد و حوادثی که به وقوع پیروزی منجر شد، پرداخته است. از جمله آیات مرتبط با پژوهش در این سوره، آیه ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال / ۴۶)، است که مسلمانان را از کارهایی

که مشرکان در این جنگ انجام دادند و منجر به شکست آن‌ها شد، نهی می‌کند و شش دستور به مسلمانان می‌دهد که یکی از آن‌ها صبر در برابر دشمنان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۹۳-۱۹۶).

در جنگ‌ها، نیروهای فشار روحی- روانی و جسمی- حقیقی، بسیار بالا است. مؤید زبانی برای تبیین فشار حاصل از جنگ، واژه «یغلبوا» و «ضعف» در آیات ۶۵-۶۶ سوره انفال است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ*الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَاعْلَمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾. «غَلَبَة»، به معنای چیره شدن و مقهور کردن حریف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۱۱). اصل ماده «غلب» به معنای برتری، همراه قدرت و تعالی در قدرت است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۲۴۸).

در جنگ دو طرف با تمام قدرت و نفرات و تجهیزات، با هدف غلبه کردن و برتری یافتن بر یکدیگر مبارزه می‌کنند. این هدف، بیانگر شدت نیروی فشار در جنگ است. ضعف نیز به معنای خلاف قوت و توانایی است یا در نفس، یا بدن و یا حال و اعم از این است که مادی باشد یا معنوی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۳۰). منظور از ضعف در آیه شریفه، ضعف در صفات روحی است که به ضعف در ایمان منتهی می‌شود؛ این یقین به حق است که همه صفات پسندیده موجب فتح و ظفر، مانند صبر و شجاعت از آن سرچشمه می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۲۳).

ضعف در ایمان به خدا و عدم قوت و توانایی در صفات روحی که موجب می‌شود غلبه از ده نفر، به دو نفر تقلیل یابد، نشانگر شدت نیروی فشار در جنگ است و غلبه بر این نیروی فشار مستلزم یقین و ایمان قوی به خدا و قوت در صفات روحی است تا موجب پیروزی شود. آیه ۱۲۵ سوره آل عمران ﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُم مِّنْ قَوْمِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ نیز، مؤید این حقیقت است

که هجوم نابرابر دشمن و تعداد کم نفرات و تجهیزات اندک مسلمانان، در معنا بازنمایی‌دهنده نیروی فشار است.

فَور، به معنای شدت جوشیدن و غلیان است؛ که درباره آتش، زمانی که شعله می‌کشد، و در مورد جوشش دیگ و درباره شدت و هیجان غضب، گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۷). در المیزان آمده، فور به معنی غلیان است. سپس به طور استعاره در سرعت و شدت عجله به کار رفته است و در کاری که مهلت ندارد، استعمال شده است. پس معنی «من فورهم هذا»، حمله کفار در همین ساعت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۸). بنابراین مفهوم هجوم سریع کفار، نشان‌دهنده نیروی فشار است که در جنگ بدر وجود داشت و در صورتیکه مسلمانان در این موقعیت دشوار و دلهره آور هجوم سریع دشمنان استقامت کنند، ایشان را با امدادی غیبی یاری می‌کند.

• جنگ احد

در سال سوم هجرت، مشرکان قریش برای انتقام از شکست بدر با سه هزار جنگجو و تجهیزات کامل به مدینه حمله کردند. در آغاز نبرد احد، مسلمانان پیروز بودند، اما با ترک موضع، توسط نگهبانان کوه عینین برای جمع‌آوری غنیمت، دشمن از غفلت آنان بهره برد و از پشت حمله کرد و شکست سنگینی بر مسلمانان وارد شد. آیه ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَلُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران / ۱۴۲)، در سیاق جنگ احد است؛ چرا که در دو آیه قبل، سخن از شکست و آسیبی است که در جنگ احد بر مسلمانان وارد شده است: ﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْيَوْمِ تُدْأَوْنَ لَهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ (آل عمران / ۱۴۰). همچنین در برخی روایات آمده است که این آیات ﴿وَ إِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (نحل / ۱۲۶) در جنگ احد نازل شده است. بعد از آنکه مشرکان پیکر شهدا را مثله کردند، مسلمانان گفتند اگر بر آن‌ها دست بیاوریم، زندگان آن‌ها را مثله می‌کنیم، چه رسد به مردگان آن‌ها و سپس این آیه نازل شد

که اگر خواستید کسی را مجازات کنید، همانقدر مجازات کنید نه بیشتر (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۰۵). آنچه گذشت، حاکی از نیروی فشاری است که در سطح معنا قابل برداشت است؛ فشار حاصل از شکست در جنگ و مصیبت‌های وارده.

۳-۱-۲- مؤلفه دوم: واکنش به موقعیت = صبر

«صبر» در لغت به معنای خویشتن‌داری در سختی‌ها و حبس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۶: ۱۸۱). همانگونه که در معنای خویشتن‌داری و حبس، مفهوم «ایجاد مانع» مشهود است، در مسئله صبر نیز، شاهد طرح‌واره نیرو از نوع «مانع» هستیم و نام‌نگاشت فعال شده، عبارت است از: [صبر، نیروی مانع است].

به طور کلی نگاشت بین حوزه مبدأ و حوزه مقصد در استعاره، مفهومی واجد دو تشابه است: تشابه هستی شناختی و تشابه معرفت شناختی.

تشابه هستی شناختی، بین عناصر یک حوزه و عناصر حوزه دیگر برقرار است. تشابه معرفت شناختی، بین روابط عناصر در یک حوزه و روابط عناصر در حوزه دیگر است (صلواتی، ۱۴۰۰: ۷۷۲، نقل قول از، Croft و Cruse، ۲۰۰۴: ۱۹۶).

جدول (۱): تشابه هستی شناختی

ردیف	حوزه مبدأ	حوزه مقصد
۱	مانع: در، دیوار، قفس، گاردریل، ترمز ماشین، و...	فضیلت اخلاقی صبر

جدول (۲): تشابه معرفت شناختی

ردیف	حوزه مبدأ	حوزه مقصد
۱	مانع در مسیر حرکت و اعمال نیرو قرار دارد.	صبر هم در مسیر اعمال نیرو قرار دارد و نمی‌گذارد تا فاعل اخلاقی صبر، نیروی خود را در مسیر احساسات، افکار، رفتار، گفتار و کردار نهی شده توسط شرع و عقل اعمال کند.

۲	مانع می‌تواند نقش حفاظتی داشته باشد مانند وجود گاردریل در جاده برای حفاظت از خودروها.	صبر هم می‌تواند دنیا و آخرت/ جسم و روح صابر را حفاظت کند.
۳	گاهی قرار دادن مانع اختیاری است مثلاً برخی اتاق‌ها در دارند و برخی ندارند.	انسان هم می‌تواند از مانع صبر در برابر نفس خود استفاده کند و یا نکند.
۴	برخی مواقع، قرار ندادن مانع در برخی مکان‌ها مانند جاده‌ها، تبعات سنگینی خواهد داشت.	اغلب مواقع انسان هم در صورتی که از مانع صبر استفاده نکند، با تبعات سنگینی مواجه خواهد شد.
۵	جنس و ماهیت و استحکام موانع، مختلف است: چوب، آهن، بتن، و...	جنس و استحکام صبرها نیز بر حسب مؤلفه‌هایی از قبیل ایمان و یقین فاعل اخلاقی می‌تواند متفاوت باشد.
۶	انسان توانایی قرار دادن در برای اتاق، گاردریل برای جاده، و ترمز برای ماشین را دارد؛	فاعل اخلاقی/ انسان توانایی قرار دادن مانع در برابر نفس خود را دارد.

در مواجهه با سختی‌ها به ویژه جهاد، به مسلمانان امر می‌شود: از خداوند طلب یاری کنید؛ در آیه ۱۵۳ سوره بقره، واژه «استعینوا» از ریشه [عون] به معنای مطلق یاری و نصرت، فارغ از اینکه در قبال چه باشد، آمده است. «استعانت» نیز به معنای طلب کمک است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۲۶۸ و ۲۶۹).

کمک گرفتن از چیزی، غالباً در زمانی است که آدمی با نیروی فشار مواجه می‌شود و به تنهایی توان رویارویی با آن را ندارد. از نظر معنایی، استعانت به طور غیرمستقیم نیروی فشار را بازمی‌نماید. به همین سیاق، یاری گرفتن از صبر، به نوعی با توجه به معنای لغوی این ماده، ایجاد مانعی در برابر فشار و استقامت کردن در برابر آن است. به عبارتی، صبر بر مبنای حوزه مبدأ نیروی مانع، مفهوم‌سازی می‌شود. این مسئله در سایر موارد، چه آیاتی که به صورت کلی بر صبر در جهاد اشاره دارند و چه آیاتی که در بستر جهاد هستند نیز، مشهود است و صبر در قالب نیروی «مانع» بازنمایی می‌شود؛ ایمان به خدا در انسان به مثابه نیرویی است که هیچ

نیروی دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن تاب مقاومت نمی‌آورد؛ چون بدست آوردن نیروی ایمان مبنی بر فهم صحیح است و همین فهم صحیح، صاحبش را به هر خلق و خوی پسندیده‌ای متصف می‌سازد و او را شجاع، با شهامت و دارای استقامت و آرامش قلب و وثوق به خدا بار می‌آورد؛ چنین کسی یقین دارد به اینکه به هر تقدیر، چه کشته شود و چه بکشد، برد با اوست؛ زیرا در هر دو تقدیر پاداشش بهشت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۲۲). در این زمان است که به پاس استقامتشان در برابر نیرو فشار، امدادهای غیبی الهی شامل حالشان می‌شود (آل عمران / ۱۲۵).

۳-۲- نقش نیروی کنش‌گفتار در ساخت و تقویت صبر

از آنجا که کنش‌گفتارها نوعی کنش‌اند و هر کنش اجتماعی یا فیزیکی تابع نیرو است، پس کنش‌های زبانی تحت تأثیر نیرو قرار دارند. این کنش‌گفتارها به‌صورت استعاری درک و در قالب طرح‌واره‌های نیرو تبیین می‌شوند. به این ترتیب، هر کنش‌گفتار حامل نوعی نیروی خاص است که معنای آن را انتقال می‌دهد (جانسون، ۱۴۰۰: ۱۲۲-۱۲۵). در ادامه به تفکیک کنش‌گفتارها، آیات بررسی خواهند شد. در مجموع آیات این بخش، گوینده کنش‌گفتارها خداوند متعال و مخاطب، مؤمنان هستند.

۳-۲-۱- کنش‌گفتار ترغیبی: نیروی فشار، توانایی

در «کنش ترغیبی»، هدف گوینده تشویق مخاطب به انجام کاری یا ترک آن است که می‌تواند در ظرف امر یا نهی، نمود پیدا کند. کنش‌گفتار «استعینوا بالصبر و الصلاة» در آیه ۱۵۳ بقره در دسته کنش‌های ترغیبی قرار می‌گیرد؛ چون در ساختار امر بیان شده و هدف آن ترغیب مؤمنان به استعانت از صبر و نماز در تمام مشکلات از جمله جنگ و جهاد است. این کنش‌گفتار، طرح‌واره نیرو فشار را بازنمایی می‌کند.

همچنین در پاره‌گفتار «ثُمَّ جَاهِدُوا وَصَبِّرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل / ۱۱۰)، شاهد کنش‌گفتار ترغیبی هستیم؛ زیرا با این وعده- و البته مشروط به اینکه رضایت، رحمت

و مغفرت خداوند شامل آن دسته از مهاجران قرار می‌گیرد که جهاد و صبر کنند- به طور غیرمستقیم مؤمنان را به جهاد و صبر ترغیب می‌کند. از آنجا که در بیشتر کنش‌گفتارها، محتوایی وجود دارد که توسط یک نیروی معین ادا می‌شود، یکی از طرح‌واره‌های مربوط، نیروی فشار است (جانسون، ۱۴۰۰: ۱۲۴) که می‌توان به آن اشاره کرد، در این پاره‌گفتار به دلیل حرف «إِنَّ» و تکرار آن در جمله اسمیه و نیز لام تأکید که در «لغفور» آمده، نیروی فشار در کنش‌گفتاری این آیه با شدت بالایی ادا شده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/ ۲۰۰)، کنش‌گفتار در پاره‌گفتار فوق نیز از نوع ترغیبی است؛ چرا که چهار فعل دستوری در آیه شریفه آمده است و در ساحت زبانی، نیروی فشار را با کاربست چهار فعل امری که پشت سر هم آمده، بازنمایی می‌کند.

در آیه ۱۲۵ سوره آل عمران ﴿إِنَّ تَصَبُّرًا وَتَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُمْ مِنْ قَوَرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾، ساختار شرطی آیه، رابطه‌ای میان کنش مخاطب و امداد الهی برقرار می‌کند. به این معنا که تحقق وعده الهی در گرو صبر ایشان در میدان نبرد است. از این رو کنش‌گفتار از نوع ترغیبی است که مخاطبان مؤمن را به صبر در میدان جهاد فرا می‌خواند. امداد الهی در قالب نزول فرشتگان، در بردارنده نیروی توانایی است که زمینه تقویت نیروی مانع/ مقاومت را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب کنش‌گفتار آیه با ایجاد نیروی توانایی، در تثبیت نیروی مانع صبر، نقش ایفا می‌کند.

در آیه ۴۶ سوره انفال ﴿وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾، کاربرد فعل امر، بیانگر کنش‌گفتار ترغیبی است که مخاطب مؤمن را به صبر در میدان جهاد دعوت می‌کند. امر الهی در سطح ارتباطی، نوعی الزام و فشار بر مخاطب ایجاد می‌کند. دستور به صبر و القای معیت الهی، نیروی مقاومت را در مؤمنان افزایش می‌دهد و زمینه استمرار آن را فراهم می‌آورد.

اما در آیه ۱۲۶ سوره نحل، در پاره‌گفتار ﴿وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾، ساختار شرطی، همراه با تأکید «لئن»، مؤمنان را به صبر در برابر دشمن ترغیب می‌کند. عبارت

«لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» با اشاره به پیامد صبر، نیرو از نوع توانایی را در سطح کنش‌گفتار بازمی‌نماید و زمینه تثبیت نیروی مقاومت/مانع را فراهم می‌کند.

۳-۲-۲- کنش‌گفتار تعهدی: نیروی توانایی، جذب

در کنش تعهدی گوینده متعهد می‌شود که کاری را در آینده انجام دهد که می‌تواند در ظرف تهدید کردن، قسم خوردن، قول دادن و مواردی از این دست نمود پیدا کند. در پاره‌گفتار ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۳)، حرف تأکید «إِنَّ» به همراه تعبیر اسنادی «مَعَ الصَّابِرِينَ» آمده است. این ساختار زبانی صرفاً یک اطلاع‌زبانی نیست، بلکه تعهد الهی در همراهی و حمایت‌بندگان را می‌رساند؛ از این‌رو با کنش تعهدی مواجه‌ایم. وعده الهی بر حمایت از مؤمنان در فشارهای ناشی از جهاد، توان‌ایستادگی را افزایش می‌دهد؛ به همین جهت، این کنش‌گفتار، در بردارنده نیروی توانایی است.

در کنش‌گفتار ﴿بَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۵۵) نیز، با کنش تعهدی مواجه‌ایم. کاربرد فعل امر «بَشِّر» در این آیه، بیانگر وعده الهی بشارت الهی به صابران است. این بشارت در ادامه آیات، با مفاهیمی همچون صلوات، رحمت و هدایت تبیین می‌شود (بقره/۱۵۷)؛ بدین ترتیب، ساختار زبانی آیه، متضمن تعهد الهی نسبت به اعطای پاداش به صابران است. بشارت الهی به مثابه نیروی توانایی، با برجسته ساختن پیامدهای مثبت صبر، توان مخاطب را افزایش داده و زمینه استمرار مقاومت را فراهم می‌آورد.

در پاره‌گفتار ﴿ثُمَّ جَاهِدُوا وَصَبِّرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نحل/۱۱۰)، کاربرد ساختار تأکیدی «إِنَّ» همراه با دو صفت «لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»، بیانگر وعده قطعی مغفرت و رحمت الهی، برای کسانی است که بر جهاد صبر می‌کنند. این کنش‌گفتار که بر التزام الهی بر بخشش، دلالت دارد در بردارنده کارکرد تعهدی است. گوینده آیه که خداوند است، با وعده مغفرت و رحمت خویش، باور به توانایی در استقامت و پایداری را در مخاطبان مؤمن و مجاهد پدید می‌آورد. از این‌رو اثر شناختی این کنش‌گفتار از طریق نیروی توانایی بازنمایی می‌یابد.

در کنش گفتارهای آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا ... فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾، شدت نیرو به دلیل جمله اسمیه «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ...» و تکرار «صبر» بالا است. نوع کنش در پاره گفتارهای فوق، از نوع تعهدی و در بردارنده نیروی توانایی است؛ زیرا خداوند وعده می‌دهد، اگر مجاهدان صبر کنند، بر ده برابر یا دو برابر نسبت به خود غلبه می‌یابند. همچنین نوع کنش گفتار در پاره گفتار ﴿وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ نیز از نوع تعهدی است؛ زیرا وعده و تعهد خداوند در همراهی و معیت صابران را می‌رساند و بازنمایی نیروی جذب است.

پاره گفتار ﴿إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُمْ مِنْ قُدْرِهِمْ هَذَا﴾ در آیه ۱۲۵ آل عمران، به دلیل اسلوب شرط، تعهدی است؛ چرا که خداوند متعهد می‌شود که در صورت صبر و تقوای مجاهدان، آنان را امداد کند. متعهد شدن خداوند، باور به امکان پذیر بودن آن عمل را نیز القا می‌کند و مخاطب احساس می‌کند، توانایی تحمل کردن و پرهیزکاری را دارد؛ چون خدا وعده پاداش داده است. بنابراین نیروی توانایی در کنار نیروی جذب در این پاره گفتار بازنمایی یافته است و معیت الهی با صابران که در سوره انفال آیه ۴۶ اشاره شده است نیز، از نوع تعهدی می‌باشد.

پاره گفتار ﴿إِنْ تَصْبِرُوا ... يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾، علاوه بر کنش ترغیبی از کنش تعهدی نیز برخوردار است؛ تعهدی مشروط به صبر که در صورتیکه صبر ورزند، امداد الهی محقق خواهد شد.

۳-۲-۳- کنش گفتار اظهاری و کنش اعلامی: نیروی فشار، توانایی

منظور از کنش اعلامی، آن دسته از کنش‌هایی است که به محض بیان پاره گفتار، تغییراتی واقعی در جهان خارج محقق می‌شود و کنش اظهاری، آن دسته کنش‌هایی هستند که گوینده مدعی صادق بودن آن است و شامل اظهارات، ادعاها و بیانات می‌باشد.

در ساختار خبری، دو آیه ۱۵۵ سوره بقره و ۳۱ سوره محمد که مشتمل بر عبارت «لنبلونکم» است، وعده الهی بیان شده است و چون وعده الهی حق است و قطعاً محقق خواهد شد، با کنش اعلامی مواجه‌ایم. از طرف دیگر، خداوند به عنوان فاعل قدرتمند بیان می‌دارد، حتماً مسلمانان را آزمایش می‌کند و این آزمایش که بر اساس بافت زبانی جنگ است، مواردی از قبیل گرسنگی، ترس و... را در پی خواهد داشت؛ بنابراین از جنس کنش اظهار می‌باشد. شدت نیروی فشار در «لنبلونکم» به دلیل وجود لام تأکید و نون تأکید ثقیله بالا است.

در کنش گفتارهای آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا ... فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾، در کنار کنش تعهدی، شاهد کنش اظهار در بردارنده نیروی توانایی نیز هستیم؛ اظهار تقویت شده با ساختار شرطی؛ چرا که گویای یکی از قوانین کم‌تر شناخته شده هستی است. در جهان هستی این دیدگاه حاکم است که در رویارویی دو گروه از انسان‌ها، پیروزی از آن گروهی است که در تعداد نفرات، تجهیزات و امکانات قدرتمندتر باشند؛ اما بر اساس آیات شریفه، قانون دیگری نیز وجود دارد که از عوامل مؤثر دیگری در پیروزی و غلبه یاد می‌کند و آن عبارت است از ایمان به خدا و صبر؛ که به طور واضح، معیار کثرت نفرات و تجهیزات را نقض می‌کند.

در پاره گفتار ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمِ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۴۲)، ساختار کنش گفتار، با هدف توبیخ و وادار ساختن مخاطب به فکر کردن و اصلاح نگرش خویش، استفهامی است. نوع کنش نیز، اظهار است و نیروی فشار را بازنمایی می‌کند (بیان اینکه جهاد و صبر شرط ورود به بهشت است).

۳-۲-۴- کنش گفتار عاطفی: نیروی جذب، توانایی

کنش عاطفی به بیان دیدگاه یا حالت گوینده نسبت به یک وضعیت می‌پردازد و نظیر علاقه، تنفر، لذت و تأسف را بیان می‌کند. در این کنش گفتار انطباق جهان و ذهن وجود ندارد (حسینی و رادمرد، ۱۳۹۴: ۷۰ - ۷۱). کنش گفتار عاطفی، از اثر برخوردار است و این اثر که به نوعی نتیجه ثانویه کنش گفتار عاطفی است، معمولاً منجر به تنظیم عاطفی افراد از جمله تسکین، دلگرمی، همدلی و انگیزش می‌شود. در آیات سوره بقره، کنش گفتار بشارت بر صابران که حاوی تعهد الهی است از اثری عاطفی برخوردار است که در مخاطب زمینه امید بخشی، اطمینان و انگیزه بیشتر را فراهم می‌آورد. این اثر عاطفی در کنش گفتارهای ﴿وَصَبِرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُوْرٌ رَحِيْمٌ﴾ (نحل / ۱۱۰) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا ... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۲۰۰) نیز، قابل ملاحظه است و از اثر عاطفی اطمینان، آرامش و امید برخوردار است. به عبارتی، این کنش گفتارها حامل نیرویی هستند که مانع صبر را از درون جذب می‌کنند و به عبارتی با نیرو از نوع جذب مواجه‌ایم.

در آیه ۱۲۵ سوره آل عمران ﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَتَّقُوْا وَ يٰۤاَتُوْكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اَلٰفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِيْنَ﴾، فعل «يُمِدِّدْكُمْ»، بیانگر وعده الهی مبنی بر امداد و پشتیبانی است که احساس امنیت را برای مخاطب مؤمن ایجاد می‌کند. ترکیب «رَبُّكُمْ» و اضافه شدن ضمیر اشاره «کم» به کلمه «رب»، رابطه عاطفی و حمایت خداوند از بندگان را برجسته‌تر می‌سازد. وعده الهی، امداد با تعداد بسیار بالای فرشتگان - خَمْسَةُ اَلٰف - باعث افزایش احساس قدرت و توانایی و نیز اشاره به صفت «مُسَوِّمِيْنَ» برای تصویرسازی عینی از خاص بودن نیروهای یاری دهنده، سبب افزایش اثر عاطفی در مخاطب می‌شود. این اثر عاطفی در پاره گفتار ﴿اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ﴾ (أنفال / ۴۶) نیز مشهود است؛ زیرا ادات «اِنَّ» و حرف «مع»، نیروی جذب را بازنمایی می‌کند و ابراز محبت و همراهی الهی را بیان می‌دارد که زمینه دلگرمی، آرامش و کاهش اضطراب جمعی را با خود به دنبال دارد. در پاره گفتار ﴿اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوْا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جَاهَدُوْا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمِ الصّٰبِرِيْنَ﴾ (آل عمران / ۱۴۲)، بر اساس سه عاملِ استفهام انکاری که مخاطب را در معرض

سرزنش قرار می‌دهد، تقابل انتظار فرد از ورود بی قید و شرط به بهشت با واقعیت امر که جهاد و صبر لازمه این ورود است و نیز ساختار نفی که نتیجه این تقابل را نشان می‌دهد و دیدگاه مخاطب را اصلاح می‌کند، کنش‌گفتار از نوع عاطفی است. اثر عاطفی قابل ملاحظه نیز، شرمساری و انگیزه دهی برای جبران می‌باشد.

در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال، ساختار شرطی «إِنْ يَكُنْ» که بیانگر حس توانمندی و تقابل عدد ۲۰-۲۰۰ که موجب حس شگفتی در مخاطب است و نیز دلالت فعل «غلبوا» بر قدرت و پیروزی، مجموعاً نیروی توانایی را بازنمایی می‌سازد و حس توانایی را در مخاطب ایجاد می‌کند. اثر عاطفی حاصل از پاره گفتار ﴿وَلَيْنُ صَبْرُكُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ در آیه ۱۲۶ سوره نحل، تسکین خشم و انتقام با هدف دستیابی به خیر است.

۳-۳- نقش کنش‌های گفتار در شکل‌دهی و تقویت نیروی صبر در گفتمان جهاد

بررسی صبر بر جهاد در دو ساحت معنا و کنش گفتار نشان می‌دهد، در آیات کلی صبر بر جهاد، موقعیت‌ها غالباً در فضای تهدیدهای احتمالی، نگرانی‌های آینده به مثابه نیروی فشار مفهوم‌سازی می‌شوند. در این سطح، صبر به مثابه نیروی مانع، مفهوم‌سازی می‌شود با این هدف که از فرسایش تدریجی مؤمنان جلوگیری کرده و زمینه آمادگی روانی و اعتقادی مؤمنان برای ورود به میدان جهاد را فراهم می‌سازد. در مقابل، در آیاتی که در عرصه جهاد اشاره شده، فشارهایی به صورت نیروهای عینی چون جراحت و شکست بازنمایی می‌شوند. در این سطح، صبر به منزله نیروی مانع و مقاومتی مفهوم‌سازی می‌شود و کارکرد آن، حفظ پایداری مؤمنان در برابر فشارهای شدید جهاد است.

بررسی کنش‌گفتارها، نشان می‌دهد که هریک از انواع کنش‌گفتارها نقش متفاوتی در شکل‌گیری و تقویت نیروی مانع- صبر- ایفا می‌کنند. در آیات کلی صبر بر جهاد، کنش‌های تعهدی مشتمل بر وعده‌های الهی زمینه اطمینان، امید و شکل‌گیری اولیه صبر را فراهم می‌آورند. در همین سطح، کنش‌های ترغیبی با تشویق مؤمنان به صبر، مخاطب

را به سوی جهاد سوق می‌دهد و نیروی مانع صبر را فعال می‌سازد. همچنین کنش‌های عاطفی با ایجاد احساس حمایت و دلگرمی، زمینه تثبیت این آمادگی را فراهم می‌کنند. در مقابل، در آیات صبر در میدان جهاد، کنش‌های ترغیبی عمدتاً در قالب امرهای مستقیم و تأکیدهای فوری ظاهر می‌شوند و نقش آن‌ها حفظ و استمرار صبر در مواجهه با فشارهای عینی جنگ است. کنش‌های تعهدی در این فضا با تقویت اعتماد به وعده‌های الهی، توانایی مؤمنان را در شرایط سختی و فشار افزایش می‌دهند. همچنین در کنش‌های عاطفی از طریق ایجاد انگیزه به تقویت و ایستادگی نیروی مقاومتی صبر، کمک می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت، صبر در فضای آیات جهاد متناسب با نوع فشارهایی که مؤمنان با آن روبرو می‌شوند و در سایه کنش گفتارهای الهی از مرحله شکل‌گیری عبور کرده و به مرحله‌ای می‌رسد که نقش مقاومتی در برابر فشارها ایفا می‌کند.

۴- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

۱- در پژوهش حاضر، با روش معناشناسی شناختی و بهره‌گیری از ابزار طرح‌واره تصویری به مطالعه صبر در آیات جهاد پرداخته شد. وجه نوآوری پژوهش از آن روست که طرح‌واره تصویری نیرو در ساحت معنا را با نیروی حاصل از کنش گفتارها (ترغیبی، تعهدی، اظهاری، اعلامی و عاطفی) تلفیق کرده است. همچنین سعی شده است با استفاده از شاخص‌های تأکید در آیه، شدت نیرو نیز سنجیده شود. تلفیق این دو مقوله از منظر شناختی در تحلیل آیات قرآن کریم فاقد پیشینه است و می‌تواند منتهی به فهم بهتر از آیات شود.

۲- یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد «صبر» در آیات جهاد حالتی منفعل نیست، بلکه کنشی اخلاقی و نیروبخش است. حضور نیرو در هر دو ساحت معنا و کنش گفتار نشان می‌دهد، در ساحت معنا با دو مؤلفه اصلی مواجه‌ایم: ۱) موقعیتی که نیازمند واکنش است (عرصه جهاد) و ۲) واکنش به آن موقعیت (یعنی صبر)؛ که در هر دو موقعیت، طرح‌واره نیرو از نوع فشار در موقعیت اول که جهاد است و طرح‌واره نیرو از نوع مانع در واکنش

به آن موقعیت، یعنی صبر بازنمایی می‌شود. به عبارتی فشار واقعیت جهاد، مؤمنان را به ایجاد «مانع» و مقاومت فرا می‌خواند. مانع صبر با نیروهای کنش‌گفتاری تقویت می‌شود و به منزله مانعی فعال عمل می‌کند.

۳- در آیات کلی جهاد، در ساحت معنایی، نیروی فشار ناشی از جنگ و پیامدهای آن با نیروهای کنش‌گفتاری ترغیبی، تعهدی، اعلامی و اظهاری در هم تنیده است. امر الهی به «یاری‌جستن از صبر» و به‌کارگیری نیروی فشار، صبر را به «مانع اخلاقی» تبدیل می‌کند؛ کنش‌های تعهدی و اظهاری با برجسته‌سازی نیروی «توانایی»، به صابران برای حفظ این مانع قوام می‌بخشند و کنش عاطفی و اثر برآمده از آن، نیروی «جذب» را پدید می‌آورد که مانع صبر را از درون تغذیه می‌کند. بر این مبنا، طرح‌واره نیرو در این آیات از سه عنصر تشکیل می‌شود: نیروی فشار بیرونی (جنگ، که از آن با عنوان آزمون الهی یاد شده)، نیروی مانع (صبر) و نیروهای کنش‌گفتاری شامل سه نیروی فشار، توانایی و جذب که بیانگر حمایت الهی‌اند و بر پایداری مانع صبر می‌افزایند؛ بدین‌سان صبر نه انفعال، که کنش اخلاقی مقاوم تلقی می‌شود.

۴- آیاتی که صبر در میدان نبرد را تصویر می‌کنند، همانند بخش پیشین، هر دو مؤلفه «موقعیت» و «واکنش» با کنش‌گفتارها در هم تنیده است. به سبب اشاره مستقیم به جنگ‌ها، بازتاب فشار در ساحت معنا شدیدتر است و متناسب با آن، امر به صبر و نیروی مانع نیز شدت می‌یابد. در ساحت کنش‌گفتار، تفکیک چنین است: کنش‌گفتارهای ترغیبی نیروی فشار امر الهی را در کنار نیروی توانایی بازنمایی می‌کنند؛ کنش‌گفتارهای تعهدی حامل نیروهای توانایی و جذب‌اند؛ در موقعیت‌های اظهاری، طرح‌واره جذب و توانایی دوباره فعال می‌شود و در کنش‌گفتارهای عاطفی و اثر آن‌ها- با معیت و ابراز محبت- آستانه تحمل اخلاقی صبر در شرایط دشوار ارتقاء می‌یابد. هر جا استمداد و طلب صبر صورت گیرد، ظرفیت ثبات و ایستادگی اعطا می‌شود. بدین ترتیب، صبر کنشی ایستا نیست، بلکه کنشی اخلاقی، پویا و جمعی است که یکی از عرصه‌های تبلورش جهاد در برابر دشمن است.

۵- تحلیل نوع نیروها در کنش گفتارها (ترغیبی/اظهاری/تعهدی/عاطفی/اعلامی) و بررسی شدت آن‌ها- برآمده از «إن»، لام/نون تأکید، ندا، استفهام توییخی و توالی امر- صبر را از سطح توصیه اخلاقی صرف، فراتر می‌برد و به «مانع اخلاقی فعال» تبدیل می‌کند که فشار میدان را مهار و رفتار جمعی را با نیروهای توانایی و جذب سامان می‌دهد. به این ترتیب، صبر به منزله مانعی فعال، با امر الهی شکل می‌گیرد و با وعده و محبت الهی پایدار می‌ماند.

۶- در این پژوهش نشان داده شد که صبر صرفاً یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه صبر به مثابه نیروی مانع مفهوم‌سازی می‌شود که وظیفه آن ایستادگی و مقاومت در برابر فشارهای ناشی از جهاد است و کنش‌گفتارهای الهی در آیات مرتبط با صبر هریک به نوعی در ایجاد، تقویت یا استمرار این نیروی مقاومتی نقش ایفا می‌کنند. به این ترتیب این کنش گفتارها، گاه با ایجاد توانایی، زمینه شکل‌گیری نیروی صبر را فراهم می‌آورند، گاه با تأکید بر پاداش معیت الهی یا پیامد مثبت صبر به تقویت و ثبات این نیروی مانع می‌انجامند.

۵- پی‌نوشت‌ها

- 1- Speech act
- 2- John L. Austin
- 3- How to do things with words
- 4- John Searle
- 5- Representative/ assertive
- 6- Directive act
- 7- Expressive act
- 8- Commissive act
- 9- Declarative act
- 10- Mark Johnson
- 11- Force schema
- 12- Image schema
- 13- Conceptual metaphor
- 14 Cognitive semantics
- 15- The body in the mind
- 16- Part-Whole
- 17- Center-Periphery
- 18- Contact
- 19- Adjacency

- 20- Support
- 21- Balance
- 22- Container
- 23- Path
- 24- Link
- 25- Force
- 26- Up-Down
- 27- Front-Back
- 28- Compulsion
- 29- Blockage
- 30- Counterforce
- 31- Diversion
- 32- Removal of restraint
- 33- Enablement
- 34- Attraction

۶- منابع

* قرآن کریم

- ۱- آبادی، فاطمه؛ فتاحی‌زاده، فتحیه؛ افراشی، آریتا، «تحلیل تأثیر طرح‌واره نیرو در مفهوم سازی شیطان در قرآن کریم: رویکرد شناختی»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ش ۶، صص ۸۹- ۱۱۵، (۱۴۰۱ش).
- ۲- افراشی، آریتا، مبانی معناشناسی شناختی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۴۰۰ش).
- ۳- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مرکز الإعلام الإسلامي، (۱۴۰۴ق).
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت: دارالفکر، (۱۴۱۴ق).
- ۵- ابراهیمی، ابراهیم؛ دست‌رنج، فاطمه، «تحلیل گفتمان کنش‌های گفتاری در آیات جهاد»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ش ۱۲، صص ۳۳- ۵۷، (۱۴۰۰ش).
- ۶- جانسون، مارک، بدن در ذهن، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه، (۱۴۰۰ش).
- ۷- حسینی ادیانی، سید ابوالحسن، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام، تهران: دانشگاه الزهرا (س)، (۱۳۸۱ش).

۸- حسینی معصوم، سیدمحمد؛ رادمرد، عبدالله، «تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، جستارهای زبانی، ش ۶، صص ۶۵- ۹۲، (۱۳۹۴ش).

۹- دسترنج، فاطمه؛ عرب، منصوره، «کاربست نظریه کنش گفتاری در خوانش آیات جهاد»، مطالعه تاریخی جنگ، ش ۴، صص ۲۳- ۵۲، (۱۳۹۹ش).

۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، (۱۴۱۲ق).

۱۱- -----، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه، (۱۴۱۲ق).

۱۲- صادقی، مسعود، «استعاره مفهومی و تحلیلی نو از نقش آن در اخلاق»، دوفصلنامه علمی تأملات فلسفی، ش ۱۰، صص ۲۳۵- ۲۵۵، (۱۳۹۹ش).

۱۳- صلواتی، عبدالله، «استعاره مفهومی سلول برای اخلاق»، مجله علمی پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، ش ۱۵، صص ۷۶۴- ۷۸۷، (۱۴۰۰ش).

۱۴- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۰ق).

۱۵- -----، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۹۰ق).

۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).

۱۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: مؤسسة دار الهجرة، (۱۴۰۹ق).

۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، (۱۳۷۱ش).

19- Austin, J. L. (1962). How to do things with words. Oxford: Clarendon Press.

20- Fattahizadeh, Fathiyeh, Abadi, Fatemeh, "The Speech Act Force in the First Encounter Between Satan and Humans in the Quran" *Linguistic Research in the Holy Quran*, 12, 89-102, (2023).